

نوشته: دکتر محمد جواد مشکور

محلّه سرخاب و مقبره الشعراء

پیش از آنکه دربارهٔ گورستان تاریخی مقبره الشعراء تبریز به بحث پردازیم لازم است از نظر شناسایی محل نخست در پیرامون محلّه سرخاب که از محلات قدیم آن شهر است گفتگو کرده و آن مقبره کهنه را در آن جستجو کنیم .

محلّه سرخاب

از محلات شمالی شهر تبریز است از شمال به کوههای عینعلی و از مغرب به شتریان و از جنوب به بهرانرود و قسمتی از محلّه ششکلان ، و از مشرق به محلات ششکلان و سیلاب محدود است .

محلّه سرخاب مشتمل بر دو قسمت است که یکی حاشیه و دامنه کوه و دیگری دشت میباشد .

مرکز محلّه « بازارچه سید ... خوانده میشود بیش از پانزده مسجد در این محلّه ساخته اند که معروفترین آنها مسجد سید حمزه است .»

آبخور این محلّه از قنات « شاه چلبی » است قناتهای دیگری مانند حسن پادشاه و خواجه علی بیگ نیز در آن محلّه جاری است .

مردمی که در حاشیه کوه زندگی میکنند زاغهبابی از گل برای خود ساخته اند و از تنگدست ترین مردم تبریز بشمار میروند .

نادر میرزا ، دربارهٔ آن محلّه چنین مینویسد :

سرخاب کوی باستانی بزرگست و (آنرا) بنام آن کوه خوانده که کوی

... آنرا ... و مشرف به همه شهر است هوای آن نیک

و باعتدال است . روزها به تابستان گرمتر باشد که خوردشید بر این کوه خشک تابند چون پاشی از شب بگذرد و سنگها را گرمی برود هوا نیک شود خاک این کوی سخت و با ریگ مخلوط است و به زمین آن رطوبت نباشد بسائین این کوی کمتر است . توت بیدانه و بادام و فندق و امرود (گلاب) آن نیکو است . کدخدای آن امروز میرزا جوادخان فرزند حاج میرزا علی وکیل دیوانخانه و از خاندان بزرگست . بقعه مبارکه سید حمزه در این کوی است . که زیارتگاه تمامی مردم شهر است ، و این بقعه در وسط این کوی است (۱) درباره قناتهای این محلله مینویسد :

قنات حسن پادشاه - (منسوب به اوزن حسن آق قویونلو است) ، این قنات از مشرق به مغرب به کوی سرخاب و شتربان تا به مسجد و مدرسه آن پادشاه (محل صاحب الامر علی) جاری است آب آن اعذب میاه تبریز است آن پادشاه نهی کرده تا با رنج همه جا به ساحل مهران رود که بعدد آن (چاهها) پر آب بود . اکنون که رودخانه مهران از شهر قطع شده این چشمه نیز خشک و مجری خالی است مگر که رود را آب باشد (۲)

دیگر قنات شاه چلبی . عینی قدیم است این قنات سالها خشک بود نواب عباس میرزا به آبادانی آن فرمان داد . آب نیکو جاری شد . رشته این قنات تا به روستای کند رود که تا تبریز دوفرسنگ و نیم است امتداد یافته آب آن بعدی است که بفرمان آن شاهزاده در دامنه کوه سرخاب طاحونهها (آسیابها) ساختند . امروز آن طواحین خراب است . آن پادشاه زاده این چشمه بدان حفر کرده که در انجام زندگانی باغی در دامان سرخاب طرح انداخته بود ، چون بدان سوی آبی دیگر نبود این قنات حفر و عمارت فرمود که آن جای آبیاری شود . چون این قنات آباد و آب جاری شد فرزندان سیم (عباس میرزا) جهانگیر میرزا تملک نمود . اکنون نیز به فرزندان این امیر زاده حاجی حسین میرزا که در توپسرکان منزل دارد به وراثت رسیده ، بیشتر خانه و باغچه و باغ همیشه و خانهای کوی سرخاب که آب حسن پادشاه بر آن

مشرف نیست از این قنات بهره برند . و بهر ماسوره که بومیان لوله نامند سه تومان قیمت گیرند و به نوبت آبیاری کنند . نمای این قنات چون خرج از حساب وضع کند نزدیک به هفتصد تومان این زمان است (۱)

قنات خواجه علی بیک . آبی بس گواراست و بیشتر اصل آب این قنات وقف است . متولی بمردم باغ همیشه و سرخاب و شتربان فرود . این چشمه نیز از مشرق به مغرب جاری است (۲)

در تذکره دولتشاه سمرقندی نام این کوی ، ولایت سرخاب ، آمده است و این تسمیه دلالت بر وسعت و بزرگی این محلله میکند (۳)

بعضی از کوچه‌های قدیم سرخاب

در روضات الجنان کر بلائی جایی بنام درب اعلی آمده که ظاهراً محل عمارت حکومتی و در سرخاب واقع بوده است چنانکه مینویسد . مرقد اومزار سلطان میرحیدرتونی در درب اعلی ، تکیه‌ای است مشهور ...

در زمان سلطنت میرزا اسکندر در سنه ۸۳۰ بدرود کرد (۴) آقای سلطان‌القرایی در حواشی این کتاب مینویسد :

در اوایل محلله سرخاب بین جنوب غربی مقبره سید حمزه و ساحل شمالی مهرانرود تقریباً در جهت غربی محلله ششکلان نزدیک به پل قاری جایی است معروف به تکیه حیدر آنجا محل مقبره و تکیه سلطان میرحیدر تونی است و درب اعلی هم در آن حوالی بوده است . جماعتی از درویشان و طایفه صوفیه از دور نزدیک و از بلاد عثمانی نیز به آن تکیه رفت و آمد داشته‌اند و به آبادی و رونق آن اهتمام میورزیده‌اند . تا ایام شاه عباس اول معمور و آسپبی از خرابکاری طرفین (شیمه و سنی) نیافتده بود . شاه عباس آنجا را

۱- تاریخ دارالسلطنه تبریز ص ۳۶

۲- ایضاً ص ۴۱

۳- رك : تذکره الشعراى دولتشاه سمرقندی طبع تهران ۱۳۳۷ شمسی

بالوث تهمت فسق آلوده کرده منهدم ساخت . این خرابه یا قسمتی از آن تا اواخر سلسله قاجاریه با نام اصلی باقی و مشخص بوده است . امروز از آن ویرانه اثری بجا نیست ، همه را خانه و عمارت ساخته‌اند و ظاهراً قسمتی از زمین یا حیاط تکیه داخل خیابانی است که در آن حوالی از جنوب بسوی شمال کشیده شده است .

این سلطان میرحیدر تونی (در گذشته در ۸۳۰) که بالقب قطب‌الدین نیز خوانده‌اند و مولد او باکو و مدفنش تبریز و معاصر قره یوسف (در گذشته در ۸۲۳) و پسرش قره اسکندر (در گذشته در ۸۴۱) بوده است، باقطب‌الدین حیدر ترک‌نژاد (در گذشته در ۶۱۸) که مرید خواجه احمد بسوی و در خراسان در تربت حیدریه مدفونست نسبتی ندارد .

جماعت حیدریان را بعضی مانند قاضی نورالله شوشتری و محمد حسن خان (اعتماد السلطنه) بهمین سلطان میرحیدر تونی نسبت داده‌اند (۱) بعضی مانند حمدالله مستوفی و خواند میرایشان را از پیروان قطب‌الدین حیدر ترک که در خراسان مدفون است میدانند ، و برخی آنان را به سلطان حیدر پدشاه اسمعیل صفوی منسوب دانسته‌اند که نیایستی درست باشد . صاحب تاریخ اولاد الاطهار او را سید و امامزاده دانسته و نسبت وی را چنین آورده است :

از آن جمله در درج اعلیٰ مزار سید عالی نسب سید حیدر است این شمس -
 الدین علی بن سید محمود بن سید علاء الدین بن سید حسن بن سید جعفر بن
 سید برهان الدین بن سید ابوالقاسم بن سید عبدالله بن الامام الهام حضرت موسی
 بن جعفر مولدش از بلده بادکوبه شیروان بود و در شهر تون نشوونما یافته
 از آن جهت به تونی مشهور است و به اعتقاد بعضی مولدش در قصبه تون
 خراسان است و در سنه ثلثین و سبعمائه (۲) از دار فنا متوجه بمنزل عالم بقا
 گشته است (۳) .

۱- روضات الجنان حواشی ص ۵۹۶

(۲) ظاهراً این تاریخ اشتباه است و چنانکه در بالا گذشت بایستی صحیح

آن ثلاثین و ثمانمائه ۸۳۰ باشد .

۳ تاریخ اولاد الاطهار ص ۵۵

و نیز کربلائی در شرح مرقد حاجی عبدالرحیم از آبادی از کوچه‌ای به نام ، اچاباد ، در سرخاب یاد میکنند و مینویسد که ، وی تبریزی‌اند منسوب به کوچه آچاباد که کوچه معینی است در تبریز در حوالی درب اعلی (۱) و نیز در شرح مرقد ابومحمد نورالدین عبدالرحیم البزازی از کوچه‌ای بنام ، بطال آباد، که در درب اعلی در سرخاب واقع بوده یاد کرده است (۲) و نیز مینویسد: که مرقد خاتونان سرا پرده کتمان ، هفت خواهران علیهن الرحمه در حوالی درب اعلی ، موضع معینی است و آنجا را هفت خواهران میگویند چنین مشهور است که ایشان فرزندان حضرت امام موسی کاظم‌اند

بهر حال مزاریست و در قدیم الایام نیز آنجا مدرسه و دارالفتیاء بوده که تعلق بحضرت سلطان الفتیاء امیر سید مهدی حسنی نقیب رحمه الله که در مدفونین سرخاب مذکور شدند داشته ، حالا از آنها اسم و رسم نمانده الامقابر این اعزه ، (۳)

و نیز در شرح مرقد پیر سلیمان شاه جوهری مینویسد که ، مزار او در سرخاب نزدیک مزار پیرلیفی بطرف شمال واقع است وی تبریزی است زاویه‌ای داشته در حوالی صاحب آباد ، در حوالی پل پیرک که الحال به پل یوسف بیگ مشهور است (۴)

نامهای کوچه‌ها و مساجد و تکیه‌های سرخاب که در مزارات ملاحشری از آنها یاد شده از این قرار است .

شارع بابا مزید ، دره گراب (گرو) ، شارع بابا حسن ؛ کوچه جاروب بندان ، گود عرب (۵) آچاباد که کوچه‌ای بوده است در حوالی درب اعلی ، خانه های ساربانقلی ، کوچه سرخاب ، حاج کبود ، پای منار سرخاب ، مسجد

۱- روضات الجنان ص ۱۱۵

۲- ایضاً ص ۳۶۸

۳- ایضاً ص ۴۶۷

۴- ایضاً ص ۱۷۵

۵- نام گود عرب در روضات الجنان : و گنبد و درله عرب ، آمده است

خلیلان ، عمارت بیگم ، دولتخانه جدید ؛ کوچه حسین بیگ ، تکیه میرمهدی علاوه بر مقابر متفرقه که در کوی سرخاب وجود داشته آن کوی را سه مزار مشهور بنامهای : مزار بابا احسن ، مزار بابا مزید اختصاص بر پاباها و پیران تصوف داشته ولی مقبره سوم بمناسبت دفن تدریجی شعرا در آن محل بنام ، مقبره الشعراء ، مشهور شده است (۱)

حافظ حسین کربلائی تبریزی مینویسد : که سرخاب مزار است از مزارات مشهور تبریز بر جانب شمال آن شهر دریای کوه سرخ واقع است ، بسیار بسیار مزار مروح و پرمنا است و محل قبور اکابر اولیاء . رفعتشان و اعتلای مکان آن گوردستان را از اینجا میتوان قیاس نمود که حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی از کمال اعتقاد می فرموده اند که هر که از تبریز می آید و بجانب ما میل می نماید تحنه او باید که خاک پاک سرخاب باشد . در فضایل مدفونین سرخاب سخنان غریب و معارف عجیب بیان فرموده اند و تبریز و تبریزیان را بسیار می ستوده چنانکه در مثنوی نیز شمه ای از آن واقع است :

ساربانان بار بگشا ز اشتران شهر تبریز است و کوی دلستان
فر فردوسی است این پالیز را ششمه عرشی است این تبریز را
هر زمانی نور روح انگیز جان از فراز عرش بر تبریزیان
چنین مروی است که در وقت ارتحال آن قدوه اهل حال ، خاک
بسیار از تراب سرخاب جمع شده بود وصیت فرمودند که این خاکها را در
قبر من پهن سازید که من نیز در خاک سرخاب مدفون باشم .
به تبریز ارشوی ساکن زهی دولت زهی رفعت

به سرخاب ارشوی مدفون زهی روحا زهی راحت

بی تکلیف در فضیلت سرخاب این دلیل کافی و این نقل وافی است و در آن مزار قبور بسیار از صحابه گیار و تابعین ابرار و اخیار و بقعه تابعین و اولیاء اهل کشف و یقین و مشایخ سلف و خلف و علمای اعلام و فضایل کرام واقع

۱- عزیز دولت آبادی : مقبره الشعراء سرخاب (نشریه دانشکده ادبیات

تبریز شماره سوم سال شانزدهم)

است (۱)

مقبره الشعراء - بنا بر مشهور در محلله سرخاب گورستانی بوده که آنرا مقبره الشعراء می گفتند امروز آن مقبره هیچ اثری باقی نیست. نادر میرزا در آن باره چنین می نویسد :

دایسن گورستانی معروف بود بکوی سرخاب ، اکنون بدین کوی گورستانها باشد کوچک و بزرگ ندانم که این مقبره کدام باشد ، مگر آنکه در این کوی بجنب بقعه سید حمزه مقبره ای عمارت کرده برای مدفن میرزا عیسی حسینی فراهانی که قائم مقام صدارت ایران و دستور (وزیر) نایب - السلطنه عباس میرزا ولیعهد بود و بسوی مشرق آن مقبره قبرستانی است بس کهنه ؛ از بعضی شنیده ام که مقبره الشعراء آنجا باشد ، آن شعرا و فصحا که از بومیان تبریزند لطفعلی بیگ بیگدلی به تندکوه خود نام چهل تن را نبشته است (۲)

کربلائی در شرح مرقد خاقانی از باغی بنام ، باغ بیگم ، نام میبرد و مینویسد: مرقد ملک الشعراء افضل الدین ابراهیم بن نجیب الدین علی شروانی - المشتهر بتخلصه خاقانی نزدیک بمزار حضرت بابا حسن است از راهی که بیاغ بیگم میروند بجانب دست چپ مدفونست .

خواجه ظهیر و شاهفور نیشابوری هر دو آنجا مدفونند آن محل را مقبره الشعراء میگفته اند جای مشخص و معین بوده حالا مندرس و منطوی است نه اثر از آنجا ماند و نه آثار (۳)

و نیز مینویسد که ، مرقد حضرت پیرداریار در جنوب باغ بیگم است ، از

مزارات مشهور سرخاب است (۴)

ملاحضی در مزارات تبریز مینویسد که :

۱- روضات الجنان ص ۴۷

۲- تاریخ دارالسلطنه تبریز ص ۱۳۳ - ۱۴۰

۳- روضات الجنان ص ۱۷۵ ، ۱۲۰

۴- اینها ص ۲۰۷

مزار پیرقندیل (پرقندیل) در ابتدای سرخاب در جوار مقبره الشعراء واقع شده است چنین گویند که وی چراغچی با باحسن بوده چون خدمت قنادیل به وی مرجوع بوده بدان واسطه پیرقندیلی میگویند و حکیم اسدی طوسی صاحب گرشاسب نامه در زیر پای وی آسوده است (۱).

کربلائی مینویسد ، در پای مزار پیرقندیلی مزار عزیزی است اسدی تخلص و بر لوح مزار او این (دویت مرقوم است) .

معنی طلبان بادیه عمر بریدند تا تصفیه کردند حیات ابدی را
شکرانه اسباب حیات که تو راهست یک فاتحه بفرست روان اسدی را

و در آن طرف راه بجانب دست راست مزار مولانا مانی شاعر نقاش شیرازی است که در اوایل شاه اسماعیل (صفوی) نشوونما یافت و خالی از تفریب نبود تا با خر باغوای مغویان کشته گشت و آنجا مدفون است، و حالا از قبرش اثر پیدا نیست (۲).

دولت شاه سمرقندی در تذکره خود مینویسد که، وفات خاقانی در شهر تبریز بوده در سنه اثنین و ثمانین و خسمایه ۵۸۲ و در سرخاب تبریز آسوده است و

او الیوم مشهور و مقرر است . قبر افضل الدین ظهیر الدین ظاهر بن محمد فاریابی و ملک الشعراء شاهنور بن محمد اشهری نیشابوری هر دو در پهلوئی خاقانی است (۳).

نیز می نویسد ، بعد از آن که ظهیر مدتی ملازمت سلاطین و حکام نمود آخر استعفار خواست و بطاعت و علم مشغول گشت و در محروسه تبریز ساکن شد و وفات او در تبریز بود در شهر سنه ثمان و تسعین و خسمایه ۵۹۸ بروزگار دولت قزل ارسلان و بسرخاب در جنب خاقانی - مدفون است (۴).

نیز می نویسد ، نسب شاهنور (شاپور) نیشابوری به حکیم عمر خیام می رسد وفات او در تبریز بوده در شهر سنه ستمایه ۶۰۰ و قبر او در سرخاب است در جنب خاقانی و ظهیر الدین فاریابی ، (۵)

۱ - مزادات حشری ص ۱۰۵ - ۱۰۷

۲ - روضات الجنان ص ۲۱۱

۳ - تذکره الشعراء طبع تهران ۱۳۳۷ ص ۹۲

۴ - ایضاً ص ۱۲

۵ - ایضاً ص ۸۳

خانیکوف در احوال خاقانی می نویسد که قبر او در جوار دو شاهر معروف ظهیرالدین فاریابی و شاهنورد بن محمد اشهری نیشابوری در مقبره الشعراء تبریز در سرخاب بوده ، و او در سال ۱۸۵۵ م ازدو پیر مرد از مردم تبریز شنیده که این مقبره پیش از زلزله های اخیر برجا بوده ولی اکنون از آن اثری بجای نیست سپس خانیکوف می گوید که در جستن مقبره الشعراء در شهر تبریز حفریات بسیاری کرده و نتوانسته است آنرا پیدا کند (۱)

از سوانح بسیار دردناک زندگانی خاقانی مرگ فرزند بیست ساله اش رشیدالدین در ۵۷۱ هـ در تبریز بود و مقارن همین اوقات دختر خردسالی نیز در همانجا روی در نقاب خاک کشید . دردناک ترین واقعه زندگی او مرگ مرشد و پیر او ابو منصور محمد ملقب به عمده الدین معروف به حفده فقیه شافعی نیشابوری در ربیع الاخر سال ۵۷۱ هجری در تبریز است وی واعظی فصیح و فقیهی فاضل بود و بسال ۵۴۸ در فتنه غزان از نیشابور بمراق گریخت و از آنجا به آذربایجان و الجزیره و موصل رفت و سرانجام به تبریز بازگشت و در همان شهر درگذشت. خاقانی در رثای او اشاره به تبریز و نام آن پیر کرده است .

آن پیرما که صبح نقابی است خضر نام

هر صبح بوی چشمه خضر آیدش ز کام
پس چون رکاب او ز نشابور در رسید
تبریز شد هزار نشابور از احتشام
تب ریزهای بدعت تبریز برگرفت
تبریز شد ز تربت او روضه السلام
من خاک خاک او که ز تبریز کوفه ساخت

خاکی است کاندرد او اسدالله کندکنام (۲)

مشهور است که از مقبره الشعراء تاملار بابا حسن تعلق به شعرا داشته و در زمان سابق غیر شاعر را در این میان کس رانمی گذاشته اند دقن شود (۳)

۱ - ادوار بدون ماخذ بر اون : تاریخ الادب فی ایران من الفردوسی

لی سعدی ترجمه آله کتور ابراهیم الشودا بی طبع مصر ص ۵۰۵

۲ - آتور پاتکان و نهضت ادبی ص ۲۹۲-۳۰۹

۳ - املاک الادب ص ۱۸۸

و نیز مشهور است که جماعتی از مشاهیر شمرای متصف رحمهم الله در خاک سرخاب بتخصیص در مقبره الشعرا آسوده اند . چون در این زمان قبر هر یک از این اعزه معین است بنابراین راقم این نسخه از ذکر ایشان ساکت نشده از آن جمله این چند کس محقق شد: مجیرالدین بیلقانی ، اثیرالدین اخسیکتی و حکیم قطران ارموی : و مانی شیرازی و اشهر سبزواری ، و قریب بدان مکان مزاری است که عوام آنرا قبر پیر ترک میخوانند ، و از بزرگی نقل است که ده هزار از این اولیا و مشایخ و اهل الله عالمقدار در سرخاب مدفونند، (۱)

کربلائی مینویسد . قبور اکابر اولیا و شهداء صلحا و علما و فضلا و فقها و زهاد و عباد و اخیار و ابرار اقطاب و احباب و سایر مؤمنین و مومنات در سرخاب از حد متجاوز است اما آنچه در این زمان پیش بعضی از عزیزان مشهور و معروف بود این بود، سپس نام شمار بسیاری را میبرد که بعضی از مشاهیر آنان در تاریخ از اینقرار اند:

نظام الدین یحیی غوری ، شیخ حسن بلغاری ، مولانا مغربی خواجه همام تبریزی ، سید مهدی تبریزی ، پسر سلطان ولد رومی ، خوش نویس تبریزی شرف الدین طارمی ، خاقانی ، ظهیر قاریابی ، اسدی شاعر ، شیخ معین الدین صفار ، عبدالقادر نخجوانی ، مظفر محدث بزازی ، پیر تاج خراسانی ، اخی خیر الدین تبریزی بابا اسمعیل از فرزندان شیخ الاسلام احمد جام ، پیر سهراب از صحابه که سرخاب بنام اوست (۲)

ظاهراً این قبرستان تا بعد از سال ۱۰۵۴ هجری یعنی زمان سلطنت شاه صفی که اولیا چلبی در آن سال برای سیاحت به تبریز آمده بود، هنوز نامی داشته و پیش مردم شناخته بوده است . زیرا اولیا چلبی در سفرنامه خود می نویسد: «در مزارستان سرخاب بعضی از شعرا مانند: ظهیر الدین قاریابی

وفلکی شروانی و شمس‌الدین سبحانی، و سایرین مدفونند» (۱)
 علل از میان رفتن مقبره الشعراء یکی زلزله‌های خانمان برانداز تبریز است چنانکه در اولاد الاطهار آمده که، در این زمان از جهت زلزله‌های متعدده مزار اکثر آنها معلوم نیست؛ دیگر لشکرکشی‌های ترکان وارد و قرار دادن آنان کوی سرخاب را چنانکه قشون ترك در پاییز ۱۱۳۷ هـ به فرماندهی سرعسکر عبدالله پاشا کوپیریلی به تبریز رسید و محله دوجی (شتربان) و سرخاب را که قبلا نیز اردوگاه سلطان سلیم بود اشغال کردند. دیگر تعصبات مذهبی شیعه از زمان شاه اسماعیل و شیعه شدن مردم تبریز که به آن مقابسر بواسطه سنی بودن مدفونین توجه نکردند تا بیکباره ازمیان رفت (۲)
 پیشنهاد - حال که این مقبره تاریخی ازمیان رفته و اثری از آن باقی نیست،

از نظر زنده کردن خاطره شعرای نامدار ایران و بزرگداشت ایجاد حسن احترام نسبت به بزرگان و پیشوایان ادب پارسی، پیشنهاد میشود که: وزارت فرهنگ و هنر در زمین‌های موقوفه و متروکه امامزاده سید حمزه تبریز به تأسیس مقبره بزرگ و مجللی بنام «مقبره الشعراء» اقدام نماید. در این مقبره باید صورت قبری از هر یک شعرای بزرگی که قبرشان در تذکره‌ها در این محل ذکر شده ساخته شود و بهترین و مناسبترین اشعار آنان بر سنگ قبرستان نقر گردد.

بعلاوه در کنار آن مقبره نیز زمین وسیعی را که متصل بآن باشد، برای دفن شاعران و نویسندگان معروفی که از آن پس چشم از جهان بر خواهند بست پیش‌بینی کنند، تا با تصویب فرهنگستان ایران و فرمان همایونی و تشریفات خاص، جنازه ایشان با تجلیل تمام به تبریز آورده شده، و در این مقبره که منبع آرامگاه ابدی معارف ادب فارسی خواهد شد بخاک سپرده شوند.

۱- سیاحتنامه اولیاچلی (قسمت آذربایجان و تبریز) ترجمه حاج حسین آقا

نخجوانی، طبع تبریز ص ۲۸

۲- نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال شانزدهم شماره ۳ مقاله فاضل محترم

آقای عزیز دولت آبادی .

این کار گذشته از تقویت احساسات ملی ، و بخشیدن افتخار به شعرا و نویسندگان نام آور آینده ایران. از نظر اقتصادی نیز موجب آبادی و عمران شهر دور افتاده و قهرمان تبریز نیز خواهد شد و جز کسب افتخار خرج زیادی برای دولت نخواهد داشت و بعدها همان معروفیت وست مینستر آبی (۳) را در انگلستان پیدا خواهد کرد . (*)

دکتر محمد جواد مشکور



2- Westminster Abbey

(*) - پیشنهاد آقای دکتر مشکور ، نه تنها مورد تأیید و درخواست ما است ؛ بلکه گمان می رود جمله ی ادباء و شعراء نیز با این پیشنهاد موافق و مطالب اجرای آن باشند . از این رو ، از وزارت «فرهنگ و هنر» و دیگر سازمان های ذیصلاح در این مورد ، خواهانیم که در بررسی این پیشنهاد و طرح و اجرای آن اقدام مقتضی بنمایند .

(وحید)